اون قدیمی ها حتما حملات میگ ها رو به تهران به خاطر می آورند ... جالبه که بگم روزی که میگ های نامرد منطقه ایران خودرو را بمبارون کرد ، پشت سر هواپیمای ما قایم شده بود ... چشم تون روز بد نبینه تازه داشتیم نفسی تازه می کردیم که از منطقه جبهه سالم به خونه برگشتیم که ناگهان غرش یه هواپیما رو که از سمت چپ مون با سرعت عبور کرد

حقه خلبانان جنگنده عراقی در حمله به ایران !

بهروز مدرسی

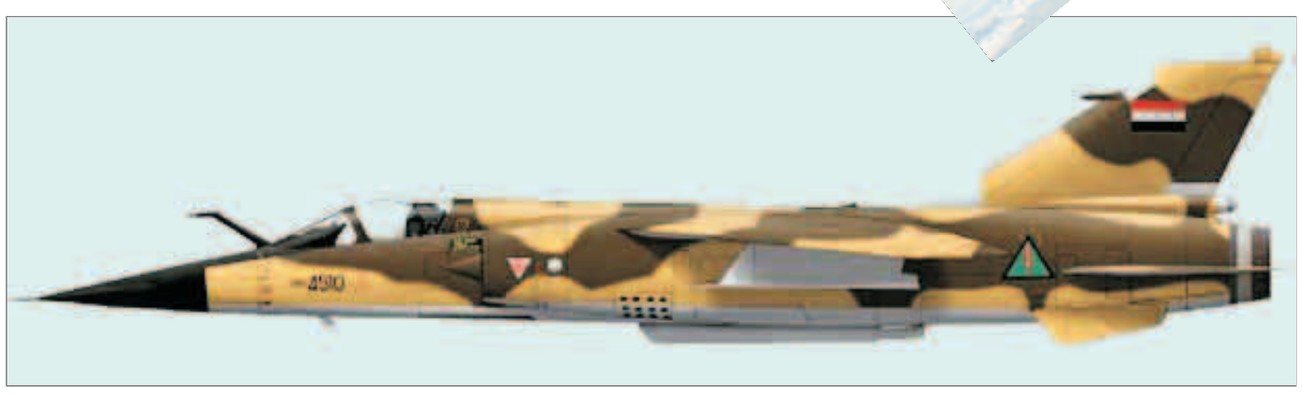

در اون بحبوحه های جنگ ، مدتی بود که میگ های عراقی بدون این که رادارهای ایران آن ها رو شناسایی کنه ، براحتی از مرز عبور کرده و به شهرهای دوری چون تهران نزدیک شده و بعد از انداختن بمب های خود ، از مهلکه می گریختند ! !

در هوشیاری برادران پدافند و مدرن بودن سیستم های راداری کشور ، کوچکترین تردیدی وجود نداشت . آن ها شب و روز در سرما و گرمای طاقت فرسای کشور بدور از خانواده و هر گونه امکاناتی از آسمان کشور عزیزمون مراقبت می کردند . پس علت چی می تونست باشه ؟

مسئولان پدافند کشور به خوبی می دانستند که مجهز ترین رادارهای دنیا هم ، نقاط ضعفی دارند و اغلب آن ها نقاط کوری در اسکوپ خود دارند . یکی از این ضعف ها ، پرواز در ارتفاع پائین جنگنده ها است . روشی که خلبانان تیز پرواز شکاری های ما هم اغلب از این روش به دشمن ضربه می زدند و هرگز رادار دشمن آن ها رو شناسایی نمی کرد .

البته این نکته رو اضافه نمایم ، پرواز در ارتفاع پائین ، خیلی مشکل و خطرناکه ، آن هم هواپیمای جت جنگنده ی شکاری که سرعتی بالا دارد . کافی است موانعی چون خرمن کشاورزان ، تیر های برق ، تپه ماهور و ... در مسیرشان قرار گیرد . از طرفی کشش قوه جاذبه زمین در آن ارتفاع ، خطر بالقوه ای محسوب می شود .

مدیران با تجربه برنامه ریز دفاعی کشور ، برای پوشش نقاط کورمناطق تحت پوشش ایستگاه های راداری خود ، دست به ابتکار جالبی زده بودند و برای این کار از خلبان های هواپیماهای کوچک چون بونانزا و پی سی ٦ استفاده می کردند . آن ها با پرواز در مناطق مذکور ، هر نوع پرنده ای رو شناسایی می نمودند .

جالب این جاست که میگ های عراقی با دیدن این هواپیما ها ، هرگز به طرفشان موشک شلیک نمی کردند ! می دونید چرا؟؟ طبیعی است . چون قیمت یک فروند موشک ، خیلی گران تر از هواپیما است ، مگر این که مجهز به مسلسل باشند ، که آن هم به دلیل اتلاف وقت و سر رسیدن شکاری های ایران ، به ریسک اش نمی ارزید !

ترفند عراقی ها :

بله همون طور که گفتم ، آمار حملات جنگنده های عراقی به شهرهایی چون تهران افزایش یافته بود . تا این که متوجه کلک آن ها شدیم . جنگنده های عراقی برای پرهیز از دیده شدن توسط ایستگاه های متعدد راداری ، پشت هواپیماهای سی - ۱۳۰ قایم می شدند و با خیال راحت از غرب کشور تا پایتخت ، دنبال آن ها آمده و به محض این که سی -۱۳۰ ارتفاع خود را کم می کرد ، سریع از سنگر خود بیرون آمده و با حمله ای ناگهانی ، هدف های از پیش تعین شده خود را بمب بارون می کرد و می گریخت ! ! البته همیشه هم جون سالم بدر نمی بردند . و توسط پدافند همیشه بیدار سرنگون می گشتند .

بله دوستان این نامرد ها ، که خداییش اکثرشون همدوره های خودمون در امریکا بودند ، با این ترفند خیلی راحت پشت سر هواپیمای سی- ۱۳۰ ای که مثلا از اهواز عازم تهران بود ، قرار می گرفتند و علی رغم سرعت کم ما تا نزدیکی های تهران می آمدند .... صرف نظر از این که حسابی دود می خوردند ! ! ، از چشم سیستم رادار های ما هم پنهون می ماندن. زیرا همان طورکه می دانید ، مسئول رادار از طریق مانیتور یا همون اسکوپ رادارش تنها یه نقطه سبز رنگ رو می دید که قبلا بهش مختصات پرواز خودی رو داده بودند و هرگز نمی تونست تشخیص بده که این نقطه متحرک ممکنه دو فروند هواپیما باشه ! ! با چشم هم که دیده نمی شد ... ! !

اون قدیمی ها حتما حملات میگ ها رو به تهران به خاطر می آورند ... جالبه که بگم روزی که میگ های نامرد منطقه ایران خودرو را بمبارون کرد ، پشت سر هواپیمای ما قایم شده بود ... چشم تون روز بد نبینه تازه داشتیم نفسی تازه می کردیم که از منطقه جبهه سالم به خونه برگشتیم که ناگهان غرش یه هواپیما رو که از سمت چپ مون با سرعت عبور کرد رو شنیدیم ...

وقتی میگ ها به تهران حمله کردند ... از پائین برج فریاد می زد : ارتفاع بگیرید ... ارتفاع بگیرید ... انگار فراموش کرده بودند که ما یه هواپیمای ترابری هستیم .. کلی وزن داریم ... شکاری نیستیم که گازشو بگیریم و یا علی مدد ..!!

تا اومدیم به خودمون بیاییم و ببینیم جریان چیه ..؟ دیدیم دو فروند دیگه از کنارمون سریع رد شدن ... چون در این لحظه خلبان جنگنده برای افزایش سرعتش به دسته گاز هواپیماش فشار وارد می کنه صدای گوش خراشی که ناشی از شکستن دیوار صوتی است ایجاد شد ... حالا شما تجسم کنید با وجودی که ابوطیاره ما در حالت معمولی اش کلی سرو صدا داره ... و اغلب مسافرانمون هم از این غرش موتور ها شاکی اند ، صدای گوش خراش قوی تری به اون افزوده شه .. چه شود ...؟

در همون روز که ایران خودرو رو زدند ما از اون بالا به خوبی تمام صحنه ها رو دیدیم . حیف که اون موقع موبایل دوربین دار یا دوربین دیجیتال وارد کشور نشده بود، وگرنه من یکی اون موقع حسابی انواع تصاویر مهیج و جالب می انداختم . آره می گفتم .... وقتی میگ ها به تهران حمله کردند ... از پائین برج فریاد می زد : ارتفاع بگیرید ... ارتفاع بگیرید ... انگار فراموش کرده بودند که ما یه هواپیمای ترابری هستیم .. کلی وزن داریم ... شکاری نیستیم که گازشو بگیریم و یا علی مدد ..! ! !

کلی طول می کشه که چند هزار پا اوج بگیری ... بعد از زدن تهران ، تازه بدبختی ما شروع شد .. تا دلتون بخواد رگبار و گلوله از زمین به هوا شلیک می شد ... دیگه تو این وضعیت دستت از زمین و آسمون کوتاهه ... هیچ کس به کمکت نمی آید .. باید شانس بیاری و از منطقه هر چه زود تر دور بشی ... تازه تهران در این جور مواقع از منطقه جبهه و جنگ خطرناک تره ! باورتون شاید نشه .. اما الان من به شما می گم چرا ...؟

ما تقریبا در اطراف بالای راه آهن بودیم که چنین اتفاقی افتاد ... اگه سمت چپ می رفتیم ، ضد هوایی پالایشگاه به راحتی ما رو می زد ! ! اگه به طرف شمال شهر می رفتیم ، ضد هوایی لانه جاسوسی (سفارت آمریکای سابق)، ما رو هدف قرار می داد ... کمی جلوتر هم پدافند آتش به اختیار جماران بود که به طور اتوماتیک هر پرنده ای رو در همون لحظه ورود به حریم ، بدون تذکر می زد ... پشت سرمون هم منطقه استراتژیک پارچین قرار داشت ! !

روبرومون هم که آقا میگ ها حسابی بهم ریخته بودند و همه هر چه اسلحه داشتند ، رو به هوا نشونه رفته بودند ... بخدا بیانش ساده بنظر می آید .. کافی است خودتون رو جای ما در این شرایط بگذارید .. خیلی اضطراب و دلهره داره .. صدای برج هم قوز بالا قوزشده.. هی فریاد می زنه برو بالا ..بالاتر ... آخه مصیبت و شکر... چطوری برم ..؟ اون وقت می گن چرا تو جوونی سکته کردی ..؟ خلاصه درد سرتون ندم ، به هر جون کندنی بود ، خودمون رو به اصفهان کشوندیم و بعد از نشستن ، سجده شکر بجا آوردیم ...

شایعات جالب :

در همین ایامی که میگ های عراقی پشت سر طیاره های ما قرار می گرفتند ، تو برو بچه های سی -۱۳۰ شایعات مختلفی رواج پیدا کرده بود که اغلب تو پرواز در موردش صحبت می کردیم ... یکی می گفت چرا هواپیمای ما رو نمی زنند ؟؟

ما که اولین هدف برای شکاری های دشمن بودیم ...؟ در جواب می گفتیم : آخه اون ها می دونند ما از همه بد بخت تریم .. نه حق و حقوق مون مثل ایران ایرانی هاست ... نه پروازامون روی برنامه است ... برای همین دلشون به حال ما می سوزه ... بعضی ها هم می گفتند این تیمسار های طاغوتی که به عراق گریخته اند .. به خلبان های شکاری دستور داده هوای ما ها رو داشته باشن ...

عده ای هم معتقد بودند : این ها همه همدوره های خودمون در آمریکاست .. برای همین با ما کاری ندارند .. و ده ها شوخی دیگه ... که معمولا مرتب بحث روز ما شده بود .. یا به شوخی به لود مستر طیاره می گفتیم در عقب رو باز کن ببین میگ و چیزی ما رو تعقیب نمی کنه ؟ اگه میگ دیدی ... چند تا از تابوت ها رو بندش رو شل کن تا بره تقی بخوره به شیشه هواپیما .... اما واقعیت این بود که آن ها هرگز ما رو نمی زدند ... علتش این بود که ما یه هدف کوچک محسوب می شدیم ... در صورتی که با نزدن ما ، به هدف های بزرگ تری در شهر دست می یافتن ...

با ساکنان بهشتی

شهید علی یار رستمی

شهید علییار رستمی در سال ۱۳٤۸در روستای آقاسی از توابع دهستان بخش فین بندرعباس در خانواده ای مذهبی و مستضعف دیده به جهان گشود . وی در سن شش سالگی پا به دبستان گذاشت و پس از به پایان رساندن تحصیلات ابتدایی به جهت ادامه تحصیل به بندرعباس مهاجرت کرد . در سال دوم راهنمایی از آنجایی که عشق به سپاه و انقلاب داشت در اردوئی که از طرف سپاه برگزار شده بود به مدت یک سال در اصفهان در برنامه ای عقیدتی و نظامی شرکت کرد و در سال سوم راهنمایی به پیشنهاد پدرش جهت کسب علوم دینی و خدمت به مردم مناطق محروم و ستمدیده وارد حوزه علمیه بندرعباس شد تا با کسب علوم دینی و فضایل اخلاقی از کتب امام جعفرصادق (ع) در مقابل دشمنان دین ایستادگی نماید .

وی در روستا ، کلاس های قرآن دایر می کرد تا با آشنا شدن مردم با قرآن آنان را وادار کند تا راه خود را در جهت سیر الی ا... انتخاب کنند . او عاشق امام بود و فرمان امام را چون ندای هل من ناصر ینصرنی امام حسین (ع) جواب داد . وی در تاریخ ٦٥/٦/١٠ به جبهه نور علیه ظلمت شتافت تا اینکه سرانجام در تاریخ ٦٥/١٠/٤ بدست مزدوران بعثی در جبهه به فیض شهادت نایل آمد .

شهید عبدالرسول مصلحی دهویی

شهید عبدالرسول مصلحی دهویی در روستای تیاب شهرستان میناب در سال ١٣٤٧ دیده به جهان گشود . وی قرآن را بخوبی تلاوت می کرد ، در مراسم دعا و سوگواری شرکت فعالانه ای داشت . هیچگاه نماز جمعه را ترک نمی کرد، در تظاهرات و پخش اعلامیه ها شرکت می نمود . از دیگر خصوصیاتش این بود که بچه های محله را دور خود جمع می کرد و از احکام برای آنها صحبت می کرد . وی از طریق بسیج سپاه عازم جبهه شد و به مدت پنج ماه در جبهه شرکتی فعالانه داشت . این شهید گرانقدر در تاریخ ١٣٦٥/١٠/١٩ در منطقه شلمچه به درجه شهادت نائل آمد .

شهید حسن نوشادی

شهید حسن نوشادی فرزند اکبر در سال ١٣٤٧ در روستای شیوه ای از توابع بخش سندرک از شهرستان میناب دیده به جهان گشود . او تا مقطع پنجم ابتدایی تحصیل نمود و سپس به خاطر مشکلات زندگی جهت یافتن شغلی به بندرعباس رفت و در یک نانوایی مشغول به کار شد . او به انجام فرایض دینی بسیار اهمیت می داد و به والدین خود بسیار احترام می گذاشت و در روضه خوانی ها شرکت می نمود . وی از طریق بسیج عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل گردید تا اینکه سرانجام پس از تلاش و فداکاری های بسیار در تاریخ ٦٥/١٠/٤ در « عملیات کربلای ٤ » در جزیره ام الرصاص به درجه رفیع شهادت نائل آمد . پیکر پاک و مطهر شهید توسط گروه تفحصی در سال ٧٦ کشف شد و با احترام در روستای شیوه ای به خاک سپرده شد .

با تشکر از معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان هرمزگان

زایش و پویای فرهنگ جانبازی تنها در گرور سوخ ونفوذ آن در ساختار فرهنگ عمومی جامعه است وبدون یافتن جایگاه واقعی وراستین آن ، اماکن تربیت وتعالی افراد جامعه به صورت اسوه های حسنه وجلوه های انسان کامل وجود نخواهد داشت. فرهنگ ایثار وجانبازی بستر تحولات فرهنگی جامعه درجریان رشد وشکوفایی برای تربیت انسانها وتعالی آنها به سوی قله رفیع انسان کامل است.

از تاکیدهای مکرر حضرت امام خمینی (ره) ومقام معظم رهبری در این باره نیز چنین بر می آیدکه در کلیه برنامه ریزیهاوخط مشیها وسیاستگذاریها، مسئولان نظام وسازمانها وارگانهای قانونگذاری واجرایی کشور،باید باهمت خودرادرارتقای فرهنگی عمومی مردم قراردهند.دریان باره سازمانهایی که جنبه های فرهنگی فعالیتهای آنان ، غالب بر سایر جنبه های اقدامهایشان است مسئولیت مضاعف دارند وبایداحساس تکلیف بیشترنمایند مراکزی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی که بنا به دستور صریح واکیدحضرت امام (ره) متکفل فرهنگ عمومی می باشد دراین میان وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی ، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی بنیاد شهید وجانبازان انقلاب اسلامی وسایرسازمانهای فرهنگی وتبلیغی لازم است درحوزه کاری خود سعی وافر مبذول دارند تااین فرهنگ دربین اقشاری که باآن سروکاردارند رشد،توسعه وتعمیق یابد که سعادت وبهروزی جامعه وابسته به چنین مولفه های که برگرفته از خط سرخ حسین بن علی (ع) وائمه اطهار سلام الله علیه نشات گرفته است می باشد که بحمدالله دراین برهه از زمان تبلور چنین حرکتی در نهاد بسیج به عینیه مشهود است که لازم است بسیجیان معزز سعی وافری درکسب این فیوضات الهی همت گمارند .

ایثار ، بستر فرهنگ عمـــومی

قسمت پایانی

محمد نعیمی

راهبردهای اجرایی

باعنایت به مجموعه بحثهای فوق،درزیرپیشنهادهای عملی و راهبردهای اجرایی اشاعه فرهنگ وایثار وجانبازی ارائه می گردد:

١- شورای عالی انقلاب فرهنگ به دلیل متکفل بودن فرهنگ عمومی جامعه فرهنگ ایثار و جانبازی و جانباز آرمانی را به عنوان یکی از مهمترین محورهای موضوعهای مورد بحث در شوراها وکمیسیونهای ذی ربط طرح وسیاستها وخطوط کلی ونحوه تبیین واشاعه این فرهنگ را از طریق مراکزمختلف فرهنگی وآموزشی کشور ، به آنها ابلاغ نماید.

٢- مجلس شورای اسلامی وسایرمراجع قانونگذاری کشورموانع قانونی ومقرراتی ورود جانبازان به مراکزکلیدی تصمیم گیریهای کشوررابه ویژه درموردنمایندگی مجلس شورای اسلامی که به دلیل محدودیتهای جسمی وحرکتی ازاحراز آن محروم مانده اند برطرف نمایند.

٣- مسئولان رده بالای اجرایی درانتخاب افراد برای منصبهای مهم اجرایی از جانبازان توانمند ومستعد استفاده نمایند تا با حضور فعال و ملموس آنان درجای جای نظام همواره مردم را نسبت به فرهنگ ایثار وجانبازی تحت تاثیر قرار دهند واین شاهدان شهیدوشهیدان زنده انقلاب الگو و اسوه ای باشند برای دیگران و گواهی باشند بر تداوم خط آل محمد (ص) و علی (ع) است.

٤- برای نمایش ابعاد فرهنگی نظام واصرار بر حفظ مبانی ارزشهای اعتقادی آن به خصوص در خارج از کشورتدابیر زیر می توانند بسیار موثر واقع شود.

انتخاب سفرا ، کارداران رایزنی ها فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی از بین جانبازان توانمند حضور فعال وموثر این عزیزان در هیئتهای کارشناسی اعزامی از طرف نهادها وسازمانهای مختلف جمهوری اسلامی ازقبیل: مجلس شورای اسلامی ، دستگاه های اجرایی ونمایندگیهای مقام معظم رهبری (بدیهی است که باید از هرگونه برخورد شکلی - صوری که از جانباز صرفا" به عنوان یک عضوتشریفاتی وغیرموثر وناظراستفاده گردد- به طور جدی پرهیز شود) تقدیم پیام های مسئولان عالی مقام نظام

٥- وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی وسازمان تبلیغات اسلامی هریک به تناسب موضوع کاری وحوزه فعالیتها می توانند این فرهنگ رادرابعاد داخلی وخارجی نظام نشروتوسعه دهند .

طرح مسئله جانباز وجانبازی درمتون آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی « از پیش دبستانی تا سطوح عالی آموزش » به نحوی که آن فرهنگ درذهن وفکر نسل جوان و نسلهای آینده انقلاب ونظام همواره زنده و پایدار باقی بماند

این امرمی تواند از طریق انتشار ویژه نامه کتابها، نشریات،قصه،فیلم،تئاتر،اجرای سرودهای حماسی که بیانگر روحیه جانباز باشد ، استفاده از جانبازان دراداره واجرای مراسم سیاسی، مذهبی و راهپیمائی ها ، اعم ازسخنرانی، قرائت قطعنامه ، شعار و خلاصه کلام ، استفاده از جانبازان در فعالیتها مختلف فرهنگی وتبلیغی انجام گیرد.

٦- صدا و سیمای جمهوری اسلامی زمینه های به نمایش گذاشتن حضور جانبازان درمجامع عمومی رافراهم سازد (از طریق تهیه برنامه های متنوع اجتماعی ویژه جانبازان که مستقیما" مسائل دیدگاهها وموفقیتهای آنان رادرجنبه های مختلف آموزشی، سیاسی وفرهنگی « درقالبهای متنوع هنری » طرح وارائه نماید.)

٧- طرح مسئله جانباز وجانبازی درمتون آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی « از پیش دبستانی تا سطوح عالی آموزش » به نحوی که آن فرهنگ درذهن وفکر نسل جوان ونسلهای آینده انقلاب ونظام همواره زنده وپایدار باقی بماند.

مجلس شورای اسلامی و سایرمراجع قانونگذاری کشورموانع قانونی و مقرراتی ورود جانبازان به مراکزکلیدی تصمیم گیریهای کشور را به ویژه در مورد نمایندگی مجلس شورای اسلامی که به دلیل محدودیتهای جسمی وحرکتی ازاحراز آن محروم مانده اند برطرف نمایند

٨- سرمایه گذاریهای متناسب برای ارتقای سطح کیفی وفرهنگی وآموزشی جانبازان درجهت ایجاد صلاحیتهای لازم وشرایط احرازپستهای کلیدی کشور وایجاد تسهیلات لازم درسرویس دهی به این ایثارگران با اولویت دادن به امر تحصیلی آنان ونیز گشودن راههایی برای استفاده فرزندان وخانواده این عزیزان از تسهیلات آموزشی نظام « مشابه آنچه برای خانواده معظم شهدا پیش بینی شده است »

٩- بنیاد مستضعفان وجانبازان علاوه برهمکاری باسایر سازمانهاوارگانهای انقلابی ونظام که دربالابه آنها اشاره شد در پنج محور زیربرنامه ریزی وحرکت نماید:

الف) آشنانمودن وآموزش مستمرکارکنان بنیاد وتوجیه آنان درارتباط بامنزلت ومقام جانبازوجایگاه این اسوه های صبرومقاومت وتقوا ، وارزش خدمت به آنان و نیز آموزش های عقیدتی واخلاقی و تدوین دستورالعمل های اداری در رابطه با نحوه برخورد اداری بنیاد وسایرادارات وارگانها با این عزیزان.

ب) مبنا قرار گرفتن فرهنگ جانبازی وشناخت واقعی از ساخت وبافت قشرجانبازان وکمک به آنان در ارتقای کیفی درکلیه سرویس دهی های بنیاد و پرهیز از هرگونه ارائه خدمت براساس جوسازی های افراد.

ج)حراست از حریم مقدس جانباز آرمانی وفرهنگ متعالی آن دربین خود جانبازان وجلوگیری ازمخدوش شدن آن توسط تعداد انگشت شماری از افراد وتنظیم مقررات مدون ومستدل اعلام عمومی آن به کلیه خدمت گیرندگان.

د) کشف استعدادهای درخشان جانبازان در ابعاد مختلف فکری، فرهنگی واخلاقی که موفقیتهای چشمگیری باتوجه به وضعیت جسمی وروحی داشته اند، به عنوان جانبازان موفق ونمونه ای که قادر بوده اند برموانع جسمی ومشکلات محیطی واجتماعی فائق آیند و معرفی آنان به جامعه.

ه) استفاده از جانبازان توانمند دراداره امور مختلف بنیاد به ویژه دربرنامه ریزی ، سیاستگذاری ومناصب کلیدی.

اما در پایان باتمام مباحثی که به نگارش درآمد ضروری است از اقدام ارزشمند مدیرکل محترم بنیادشهید وخصوصا" معاونت بهداشت و درمان قدردانی ویژه نمود که باراه اندازی دفتر مشاوره پزشکی به صورت اصولی وریشه ای به مشکلات بنیادی جانبازان که سالها با آن مواجه بودند وفریادرسی نیزجهت رفع آن معضلات وجود نداشت (تعیین درصد) اقدام نموده اند ولی به نظر می رسد بااین نیروی اندک که بسیار ساعی و دلسوزانه مشغول به فعالیت هستند خصوصا" پزشک برگزیده که از بهترین طبیبان کشور هستند نتوان به همه مشکلات جانبازان رسیدگی نمود.
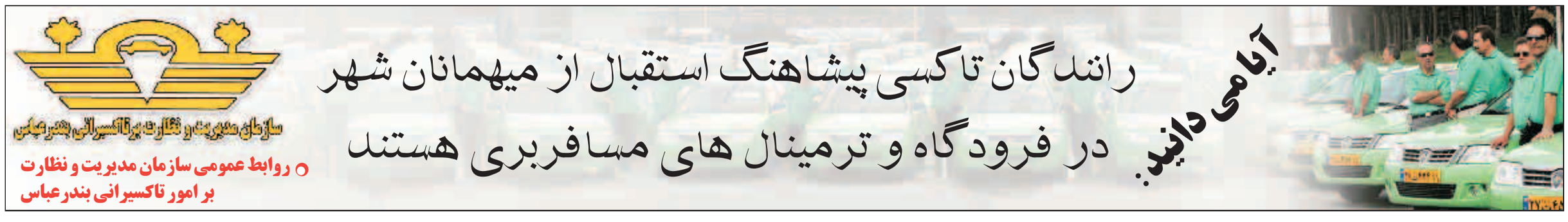
هرچند که تا رسیدن به آن ایده آل حقیقی راه بسیار طولانی باید پیمود ولی این اقدام رابايد به فال نیک گرفت.